حاج شیخ محمد حسین استرآبادی

امین، سید حسن

شرح احوال و گزارش خدمتهای روحانی مشروطه‏خواه گرگان مرحوم حاج شیخ محمد حسین مجتهد استر آبادی(مقصودلو)تاکنون در جائی بکفاف ضبط نشده است.آگاهیهای‏ من بنده از احوال او مرهون ارتباط و دوستی یکصد سالهء خاندان امین الشریعه با خاندانهای‏ مقصودلو و قره داغی است.

مرحوم حاج شیخ محمد حسین مجتهد استر آبادی،نماینده ادوار نخستین مجلس‏ شورای ملی ایران،از احرار عهد خویش بود.در انتخابات دورهء سوم مجلس،علی رغم‏ مخالفتها و اعمال نفوذهای دولت تزاری روس،به نمایندگی مردم منتخب شد و خود را از بیراهه هراسان به تهران رسانید.چون قرارداد منحوس انگلیس و روس دائر به تقسیم‏ ایران به دو منطقه نفوذ امضاء شد استر آبادی در جمع معترضان به قم عزیمت کرد و آنجا از اعضاء کمیته ملی می‏بود و پس از گسیختن آن رشته و پراکندگی آن جمع استر آبادی به‏ مهاجران ایران در اسلامبول پیوست و هفده ماه در آنجا ماند.

این شعر که آقای مرتضی مقصودلو(فرزند صاحب ترجمه)برای من نقل کرده‏اند، گزارش منظوم آن داستان است:

در زمانی که اجنبی می‏خواست‏ مملکت را بر دبه شیادی‏ بست زین‏رو قراردادی شوم‏ مایهء ظلم و ضد آزادی‏ وکلائی درست کرد بزور برخلاف شرائط عادی‏ مثلا شد وکیل ترکستان‏ خواجه عبد الحمار بغدادی‏ یا نماینده سجستان گشت‏ بقر الدوله مهابادی‏ یازده تن وکیل ایران‏دوست‏ باز کردند باب نقادی‏ شکر هم یازده کنم ویژه‏ از مساوات و استرآبادی

(\*)برنده جایزه علمی دانشگاه گلاسکو(انگلستان،1977)

در انتخابات دورهء چهارم مجلس ملی بعهد صدارت وثوق الدوله دیگر بار مجتهد استر آبادی،بخلاف خواسته دولت،به نمایندگی مردم گرگان گزیده شد.شاهزاده معتمد الدوله‏ فرماندار(حاکم)گرگان که به انجام اوامر حکومت وقت قدرت نیافته بود از ترس شبانه‏ با سلاح گرم خود را بکشت.استر آبادی پس از افتتاح مجلس به حکومت نظامی اعتراض کرد و چون ادامهء اعتراض مقدورش نشد مجلس را رها کرد.پس به حکم فرمانده کل قوا از گرگان به خراسان تبعید شد.

مرحوم استر ابادی را دو پسر بود یکی مرحوم شیخ نصر الله مقصودلو و دیگری آقای‏ مرتضی مقصودلو.مرحوم شیخ نصر الله را پسری بود بنام(مرحوم)مهدی مقصودلو که‏ چندین دوره نامزد نمایندگی مجلس بود و شاعری خطاب به نخست‏وزیر وقت در تائید مقصودلو گفته بود:

جنابا!مهدی مقصودلو را امتحان شاید که روزی همچو زر خالصی از امتحان خیزد

این بیت از قصیدتی است و من آن شعر را بتمام در اوراق مضبوط در کتابخانه پدرم‏ آقای سید علنیقی امین دیده‏ام.

شادروان استر ابادی ناگزیر در تبعیدگان خویش(مشهد)ماندنی شد و عاقبت بروز هفدهم شعبان یکهزار و سیصد و چهل و سه هجری قمری در همان شهر بدرود زندگی گفت.مرحوم‏ شیخ محمد حسن سالک سبزواری ساکن مشهد این قطعه را در رثأ و مادهء تاریخ فوت او بساخت:

حجه الحق،محیط فضل و کمال‏ آن‏که قولش متین و فعلش زین‏ مقتدای انام،شیخ جلیل‏ طائف کعبه،زائر حرمین‏ به خراسان نمود شد رحال‏ استراباد شد به شیون و شین‏ عاقبت سود سر به پای امام‏ خدمت او به حورعین شد دین‏ رفت سوی بقا زادار فنا با ولدی علی ابو الحسین‏ پی تاریخ فوت او"سالک‏" ماه شعبان ز روی صدق نه مین‏ کرد بیرون سر از"یم‏"و گفتا: "قصر فردوس شد مقام حسین

معلوم باد که مصرع آخر این قطعه به حساب ابجد 1353 می‏شود و چون یا.(سر"یم‏") که در عدد مطابق ده است از مجموع 1353 کسر شود 1343 می‏ماند و این تاریخ مرگ مرحوم‏ استر ابادی است.